

محسن فاطمی

.... سال ۱۷۱۰ میلادی و درست ۲۹۷ سال پیش، «هامفری»؛ جوان ۲۰ ساله‌ای است که به خوبی آموزش‌های وزارت مستعمرات بریتانیا را فرا گرفته و به همراه نه جاسوس دیگر راهی سرزمین‌های مشرق زمین می‌شود؛ سرزمین‌هایی که افسانه‌ها و شگفتی‌ها و منابع ارزشمند فراوان با خود دارد و البته مقادیر عظیمی از نفت و گاز. او به خوبی می‌داند که در ترکیه و عراق، چگونه همچون یک مسلمان دو آتشه نماز بخواند و زبان عربی و فارسی را مثل بلبل تکرار کند. اکنون سه قرن از آن روزها گذشته و «هامفری» به نام «مستر همفر» در تمام جهان اسلام و به ویژه خاورمیانه شناخته شده است. «هامفری» با تأثیر گرفتن از کتاب هزار صفحه‌ای «چگونه اسلام را نابود کنیم؟»، برنامه اصلی خود را با تحریک فردی به نام «محمد عبدالوهاب» ادامه داده و یکی از انحرافی‌ترین مکاتب زمانه یعنی «وهابیت» را تولید کرد.

این جاسوس کارکشته و مستشرق سریع‌الفکر، به خوبی به تأثیر و کارکرد عنصر عاشورا و عزای حسینی در ایجاد روحیه مبارزه و شهادت‌طلبی در بین همه توده‌های مسلمان پی برده بود. عنصری که آهنگ حزن و حماسه آن در سرتاسر کیتی و از خاور دور تا کرانه‌های سِند و از هند تا لبنان و از مدیترانه

در بین مسلمانان، پیروان مذهبی تشیع که در سرزمین ایران سکونت دارند، از حیث عقیده و ایمان استوارتر و طبعاً خطرناک‌ترند... برپا داشتن مراسم عزاداری حسین (ع) از سوی شیعه و اجتماعات بزرگ سوگواری در ماه‌های ویژه محرم و صفر و ایراد منظم خطابه‌ها و سخنرانی‌هایی که در تقویت و استحکام مبانی ایمان مسلمین تأثیر انکارناپذیری دارد. آنان را به رفتار نیک و امی دارد.»



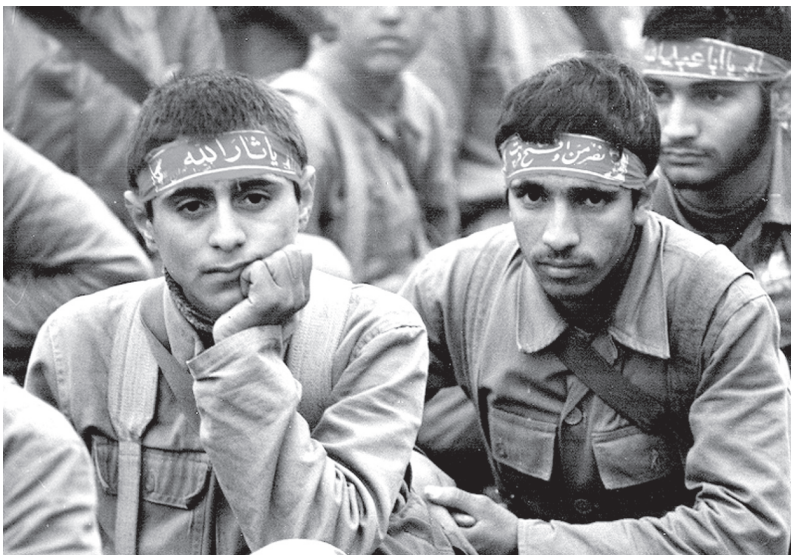


نینوا؛ رجز خاکریز اول

به ملی‌گرایی و تعصبات قومی و نژادی و سوابق تاریخی را عاملی مؤثر در وحدت عقیدتی و سیاسی جهان اسلام برمی‌شمرد و راهکار مقابله با این پدیده را چنین ارائه می‌دهد: «افکاری که سبب زنده نگه داشتن عصبیت‌های قومی و نژادی و ملی‌گرایی،

سوگواری در ماه‌های ویژه محرم و صفر و ایراد منظم خطابه‌ها و سخنرانی‌هایی که در تقویت و استحکام مبانی ایمان مسلمین تأثیر انکارناپذیری دارد، آنان را به رفتار نیک و می‌دارد...»
مستر همفر پایبند نبودن مسلمانان راستین

حضرت آیت الله جوادی آملی: «در زمان جنگ، در خاکریز اول جبهه، صدا و نوای «حسین حسین» بر آسمان طنین‌انداز بود، نه صدای «ای ایران»! این کشور با نوای «یا حسین یا حسین» حفظ شد نه «ای مرز پر گهر»



تا باختر، همه بشریت را به قیام در برابر ستم فرا می‌خواند. تأثیری عظیم که همه فرقه‌ها و نحله‌ها و مکاتب الهی و الحادی، هر یک به فراخور فهم و ظرفیت خود، از آن بهره‌ها گرفته‌اند. نگاهی کوتاه به کلمات قصار و گفتار بزرگان غیر مسلمان در جای جای گیتی، گواه تأثیر فوق‌العاده عاشورا در آموزش روش مبارزه و رهایی از دستگاه ظلم و جور است. اهمیت این نکته، برای بریتانیای کبیر که در پی فتح کشورهای ثروتمند دنیا در هر نقطه‌ای به بهانه‌های گوناگون دارالتجاره، دارالتعلیم، دارالشفاف، دارالفنون و دارالقشون برپا می‌کرد، به خوبی آشکار شده بود. از همین رو هیچ عنصری همچون عاشورا و عزای حسینی نمی‌توانست عامل تقویت روحیه مبارزه و شهادت‌طلبی در برابر زیاده‌خواهی‌های استعماری آنان به شمار آید.

نظرات «هامفری» جوان درباره امام حسین (ع) و تقویت ملی‌گرایی در برابر دین‌گرایی در دنیای اسلام، در دستورالعمل‌هایی که به سیستم امنیتی انگلیس ارائه می‌دهد، بسیار خواندنی است. به این سطرها دقت کنید: «در بین مسلمانان، پیروان مذهبی تشیع که در سرزمین ایران سکونت دارند، از حیث عقیده و ایمان استوارتر و طبعاً خطرناک‌ترند... برپا داشتن مراسم عزاداری حسین (ع) از سوی شیعه و اجتماعات بزرگ



حضرت آیت الله جوادی آملی: الان اگر کسی بخواهد بداند سند شش دانگ این کشور به نام کیست؟ باید گفت: «سید الشهداء». کشور ایران را اسلام و خون سیدالشهداء، حفظ نمود.

شود».

اکنون ۲۹۰ سال از نگارش خاطرات «مستر همفر» می‌گذرد و ماکه در قرن چهاردهم هجری و بیست و یکم میلادی روزگار را سپری می‌کنیم، می‌توانیم بفهمیم که حسگری‌های این جاسوس کارکشته انگلیسی در سه قرن پیش، چگونه عظمت و کارآمدی عاشورا و قیام حسینی و تأثیر آن در ترویج روح شهادت‌طلبی و مبارزه را دریافته است.

انقلاب اسلامی در محرم ۱۳۴۲ آغاز شد و در محرم ۱۳۵۷ به ثمر نشست. این انقلاب تنها انقلاب گسترده تاریخ سیاسی بشر بوده که با اتکاء به نسخه اصلی نهضت عاشورا، توانست از شاه، دستگاه طاغوتی و حامیان بین‌المللی آن، چهره‌ای یزیدی را در برابر دید مبارزان راستین قرار دهد و سخن رهبر نهضت را همچون سخنان حسین بن علی (ع) در میان توده‌ها و قشرهای اجتماع طنین اندازد. جنگ هشت ساله، فرآیندی تهاجمی و واکنشی سریع بود که از سوی همه دنیا بر انقلاب اسلامی تحمیل شد. تهاجم و واکنشی خونین که هیچ عاملی جز همان عامل پیروزی و تحرک انقلاب، نمی‌توانست در برابر آن ایستادگی نماید؛ عامل و علتی که «همفر» انگلیسی در سه قرن پیش از آن به عنوان مهم‌ترین مانع جدی در برابر استعمار دنیای اسلام نام برده بود.

بسیار مخاطره‌آمیز است و به شدت باید از آن جلوگیری نمود... باید مراکز عزاداری حسین (ع) و تکایای عزاداری نابود و ویرانه تبدیل شود. البته باید ویران نمودن تکایا و تعطیل نمودن عزاداری، تحت عنوان مبارزه با گمراهی مسلمانان و از بین بردن بدبختی‌های آنان انجام بگیرد. باید با تمام وسایل بکوشیم تا مردم از رفتن به تکایا و عزاداری برای حسین (ع) خودداری کنند و به تدریج این گونه کارها به فراموشی سپرده

دل‌بستگی شدید به فرهنگ و زبان و تاریخ گذشته ملت‌هاست، باید تقویت و قهرمانان و شخصیت‌های تاریخی پیش از اسلام به شدت زنده و گرامی داشته شود؛ مانند زنده کردن فرعونیت در مصر، دین زرتشت در ایران و بت‌پرستی بابل در سرزمین بین‌النهرین.» چند صفحه آن سوتر از این سطرها، «مستر همفر» این سطور را نیز می‌افزاید که: «اجتماع در مجالس روضه‌خوانی و سینه‌زنی برای اهداف ما



با بررسی وصایای شهیدان، می‌توان این نکته را دریافت که حسین بن علی (ع) و عنصر عاشورا، قوی‌ترین موتور محرک سربلندی و خستگی‌ناپذیری و استقامت مجاهدان راه خدا در هشت سال دفاع مقدس بوده است.

طنین انداز بود، نه صدای «ای ایران»! این کشور بانوای «یا حسین یا حسین» حفظ شد نه «ای مرزپر گهر»! اشمادیدید در شب‌های عملیات که سرود «ای ایران، ای مرزپر گهر» جایی نداشت، شرفاین مملکت با حسین بن علی (ع) نامین شد. یک وقتی در قم ۹۰ شهید را برای تشییع آورده بودند. سخنران مراسم تشییع من بودم. مادران شهید برای وداع با فرزندان‌شان در سر خیابان چهار مردان قم ایستاده بودند. این مادران شهید، گویا فرزندان‌شان را به حجله دامادی می‌بردند، مادران به دنبال نعش جوانان؟! آخر مادر بر سر نعش فرزندش، آن هم از بار بار (پیکر تکه پاره)؟! آنجا بود که با خودم گفتم دین خدا را نه سخنانی تو حفظ کرده و نه فتوای فلان عالم. وقتی خدا بخواهد دین را حفظ کند، این گونه آن را حفظ می‌کند. این است که الان اگر کسی بخواهد بدانند سندش دانگ این کشور به نام کیست؟ باید گفت: «سید الشهداء». کشور ایران را السلام و خون سیدالشهداء، حفظ نمود.»

پی‌نوشت‌ها:

۱. خاطرات همفر، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی؛ ترجمه دکتر محسن مؤنذی؛ انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۲. صحیفه نور، ج ۲۰.

دینی و راه حسینی ذکر شده است. تنها با بررسی بسیار اندک در میان آثار، نوشته‌ها، یادداشت‌ها و وصایای شهیدان، می‌توان این نکته را دریافت که حسین بن علی (ع) و عنصر عاشورا، قوی‌ترین موتور محرک سربلندی و خستگی‌ناپذیری و استقامت مجاهدان راه خدا در هشت سال دفاع مقدس بوده است.

رسانه‌های تصویری و مکتوب و نمایش هولو فیلم‌ها، در یک جعل تاریخی و توهین جدی، سرودهای ملی میهنی همچون «ای ایران، ای مرزپر گهر»! را سرود رسمی جبهه‌ها و روزنامه‌ها معرفی می‌کنند، اما آنان که در حال و هوای حسینی خاکریزهای دوران دفاع مقدس، عمری سپری کرده‌اند و از نسیم عاشورایی شب‌های عملیات بهر محسنته‌اند، به خوبی می‌دانند که نه تنها «ای ایران، ای مرز پر گهر» جایی در میان مجاهدان راه خدا نداشته، بلکه این نام در خشان حسین بن علی (ع) بود که در دل دریایی آنان، توفانی از حماسه و عرفان را جاری می‌ساخت. کسی چه می‌داند! شاید یاران فکری «مستر همفر» پس از سقرن هنوز در گوشه و کنار بر آنند تا با جعل تاریخ به دستورالعمل‌های جاسوس کار کشته انگلیسی همت‌بگمار نلونام و یاد حسین بن علی (ع) را به فراموشی بسپارند، اما حقیقت این حادثه‌شکوهمند را می‌توان در این جملات یافت: «جمالاتی از حکیمه متله حضرت آیت الله جوادی آملی: «در زمان جنگ، در خاکریز اول جبهه، صدای نوای «حسین حسین» بر آسمان

عاشورا و حسین بن علی (ع) می‌توانست، آن گونه که کشتی انقلاب اسلامی را از میان همه توفان‌ها و حوادث به سلامت به ساحل پیروزی رسانده بود، سرانجام جنگ را نیز به گونه‌ای رقم زد که نه تنها همه معادلات و طرح‌های دنیا علیه انقلاب نتایج معکوس داشته باشد، بلکه درست به نفع انقلاب اسلامی منجر شود. در این میان سعی و تلاش گروه‌های وابسته به سازمان‌های جاسوسی همچون جبهه ملی، نهضت آزادی و سازمان منافقین، در ماه‌های آغازین شروع تهاجم عراق، بر آن بود که این نزاع نظامی را نزاع عرب و عجم و یک درگیری نژادی و قبیله‌ای در منطقه نشان دهند، آن گونه که حزب بعث و صدام نیز به گونه‌ای دیگر همین انگیزه را مطرح می‌کردند. این دو موضع‌گیری واحد، در خارج و داخل ایران از سوی گروه‌های ضد انقلاب و حزب بعث می‌تواند قرینه‌ای باشد از منبع مشترک این دو بخش. حضرت امام (ره) با آن که در روز نخست جنگ در اول مهر ۱۳۵۹، صدام را یزید خوانده بود، تا پایان روزهای جهاد و شهادت؛ جنگ هشت ساله را بدل از نزاع یزید و حسین (ع) دانستند و چنین فرمودند: «حسینیان! امر و ز ایران کربلاست.»^۲

از میان وصیت‌نامه شهیدان می‌توان این نکته را به خوبی دریافت که عنصر قوم‌گرایی و ایرانی بودن و میهن‌پرستی نه تنها جایی نداشت، بلکه اگر نامی از ایران و میهن نیز به میان آمده، در سایه دفاع از حکومت